

دکترین و استراتژی برای کودکان و نوجوانان

خلاصه مباحث آیت‌مداری

راهنمای کار در منزل برای اولیاء و کودکان، ویژه‌ی آموزگاران ۴ تا ۱۲ سال

ویرایش تابستان ۱۳۹۸



اندیشسرای کودک و نوجوان

Strategistkids.ir

@strategistkids

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز بررسی‌های دکترینال
www.andishkadeh.ir

دفتر اندیشه - اندیشسرای کودک و نوجوان

خلاصه‌ی مباحث آیت‌مداری

راهنمای کار در منزل برای اولیاء و آموزگاران

ویرایش تابستان ۱۳۹۸

هوالحکیم

پس از گذشت چهار سال از برگزاری دوره‌های پایگاه تابستانی در اندیشکده‌ی یقین، و ابراز رضایت والدین و مدرسین طرح استراتژی برای کودکان از کتاب «خلاصه مباحث آیت‌مداری برای والدین و کودکان» بر آن شدیم تا با شروع کلاس‌های تابستانی، مجدداً این کتاب را منتشر نماییم. با امید توفیق روزافزون در تربیت فرزندان عزیزمان.

اندیشسرای کودک و نوجوان

اندیشکده یقین

تابستان ۱۳۹۸

هوالحکیم

تابستان ۱۳۹۵، دومین دوره‌ی تابستانی استراتژی برای کودکان، در محل اندیشکده‌ی یقین و تحت مدیریت اندیش‌سرای کودک و نوجوان برگزار گردید. حدود ۱۰۰ کودک، در ۵ گروه سنی، در این طرح شرکت نمودند و اکثر آن‌ها توانستند دروس تنظیم شده را به خوبی دریافت نمایند. در میان دروس تدریس شده در دوره‌ی پایگاه تابستانی، مباحث روی‌کرد آیت‌مدار جایگاه ویژه‌ای را دارد؛ به همین سبب در دفتر اندیشه‌ی اندیش‌سرای کودک و نوجوان، بر آن شدیم تا براساس تجربه‌ی کسب شده در این دوره، کتاب مختصر و مفیدی را برای راهنمایی اولیاء کودکان در منزل طراحی نماییم.

این کتاب حاصل تلاش‌های خانم‌ها مینا خان‌بابائی مدرس کودکان ۴ تا ۶ سال، فاطمه زند شیراز مدرس کودکان ۷ تا ۹ سال و مریم خان‌محمد نیماوری مدرس کودکان ۹ تا ۱۲ سال، است.

ضمن تشکر از تمامی افراد سهیم در برگزاری این دوره، از مدرسین و مادران بزرگوار، خواهشمندیم تا با انتقال تجربیات و پیشنهادهای خود، ما را در تکمیل این کتاب یاری کنند.

و من الله توفیق

مینا خان‌بابائی

تابستان ۱۳۹۶

سخنی با اولیاء

در ساده‌ترین تعریف، استراتژی «دانش تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اجرای احسن تصمیم» است. از استراتژی به‌عنوان «دانش بقاء» نیز یاد می‌شود.

تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دو مؤلفه‌ی اساسی در تعریف استراتژی هستند. تصمیم‌سازی مقدم بر تصمیم‌گیری است. این دو مؤلفه تفاوت بنیادینی با هم دارند که باتوجه به مثال زیر می‌توان این تفاوت را شناخت.

در بیابانی که هیچ‌کس مسیری در آن نکشیده و یا در جنگلی که ردپایی در آن نیست، جاده‌ی مشخصی برای رسیدن به مقصدی معلوم وجود ندارد. در چنین مکانی برای تسهیل عبور و مرور ابتدا باید چندین جاده و مسیر ساخت و مقصد هر جاده را مشخص نمود، تا باقی استفاده‌کنندگان از این محیط، گم نشوند و راه را بیابند. این کار جاده‌سازی شبیه تصمیم‌سازی است. در تصمیم‌سازی برای رفع یک مسأله راه‌حل‌ها و تصمیم‌های متنوعی می‌سازیم.

اما وقتی قبلاً جاده‌ها کشیده شده باشند و ما با چندراهه‌های مختلف که به مقاصد متفاوتی ختم می‌شوند روبه‌رو شویم، باید باتوجه به علائم و مقصد هر راه، مسیر مناسب را انتخاب کنیم. این کار انتخاب مسیر از میان مسیرهای موجود شبیه کار تصمیم‌گیری است. در تصمیم‌گیری از میان تصمیم‌های ساخته شده، مناسب‌ترین را انتخاب می‌کنیم.

یکی از دلایل اصلی ضعف مدیران در مدیریت و تصمیم‌گیری این است که آن‌ها صرفاً تکنیک‌های مدیریت را آموخته‌اند؛ اما ورای تکنیک‌ها، مبانی معرفتی و حکمی وجود دارد که اگر به کودک و نوجوان آموزش داده شوند، آن‌ها خود به تصمیم‌های درست خواهند رسید. یکی از بهترین و ساده‌ترین روش آموزش استراتژی، استفاده از مباحث روی‌کرد آیت‌مدار است.

آیت حبس علامت در شیء است. در تعریفی دیگر آیت رؤیت معنا در خلقت است. به این معنی که در هر پدیده‌ای علامت و معنایی حبس شده و این علامت از جانب خالق در خلقت پدیده مستتر شده است.

آیات الهی نامتناهی هستند و در هرکدام راز و رمزی نهفته است. این علائم نقش تابلوهای راهنمایی را در جاده‌ی زندگی بازی می‌کنند. جنس تابلوهای راهنمایی‌وراندگی که در کنار جاده‌ها و در مسیر راه‌ها قرار دارند، معمولاً فلزی است. اما هنگام حرکت در جاده، جنسیت این تابلوها برای راننده اهمیتی ندارد، بلکه معنای نهفته در علامت مورد توجه اوست. این قراردادها جهانی هستند. معنای نهفته در این علائم، قراردادی میان پلیس راهنمایی‌وراندگی با استفاده‌کنندگان از راه‌هاست و رانندگان با شرکت در کلاس‌های آموزشی با معنای این علائم آشنا می‌شوند. فهم این علائم عبور و مرور را آسان می‌کند؛ رعایت آن‌ها امنیت را برای استفاده‌کنندگان از راه فراهم می‌سازد. اما اگر ما شناخت درستی از این علائم نداشته باشیم، همانند راننده‌ی گنگی هستیم که به علت رعایت نکردن مقررات، ممکن است باعث تصادف شود. چنین راننده‌ای نه‌تنها برای دیگر استفاده‌کنندگان از راه ناامنی ایجاد می‌کند، بلکه ممکن است مسیر خود را در جاده گم کرده و هرگز به مقصد نرسد.

به همین نسبت برای تسهیل حرکت در جاده‌ی زندگی، باید علائم قراردادی این جاده را به خوبی شناخت. پدیده‌ها نیز همانند تابلوهای راهنمایی‌وراندگی، خبر از علائم قراردادی می‌دهند؛ اما این بار قرارداد معنایی، میان خداوند با انسان‌ها تعریف شده است. برای فهم این علائم نیز باید سواد ویژه‌ی رمزگشایی از آن‌ها را داشته باشیم.

این علائم همان آیت‌ها هستند، که آن به آن در برابر ما ظاهر می‌شوند؛ اما ممکن است ما هرگز قادر به درک معنای نهفته در آن‌ها نباشیم. فقط در صورتی که یک فرد حکیم به ما بگوید خداوند در خلقت هر پدیده‌ای چه علامتی را حبس نموده و الفبای این زبان رمزآلود را به ما بیاموزاند، ظرفیت ذاتی ما فعال شده، گوش دل و فطرت ما این آیات را درک خواهد نمود.

این آموزش فقط از یک انسان حکیم ساخته است. نمونه‌ی چنین انسانی را می‌توان با مطالعه‌ی کتاب توحید مفضل شناخت. امام صادق(ع) حکیمی ست که به مفضل الفبای آیت‌شناسی را آموخته است.

در دکترین و استراتژی برای کودکان و نوجوانان، هدف نهایی حکیم‌پروری ست، تا به این ترتیب مدیران و رهبران آینده‌ی جهان تربیت شوند. این هدف دراز مدت حداقل زمان ۱۰ تا ۲۵ ساله‌ای را برای تحقق نیاز دارد. برای رسیدن به این هدف، تقویت قوه‌ی تفکر و فلسفیدن در کودکان و نوجوانان، براساس بیانات رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای^۱، یکی از ضروریات است. برای موفق شدن در این مسیر، همراهی اولیاء با مدرس استراتژی نقش اساسی را بازی می‌کند. لذا لازم است تا اولیاء به محورهای اصلی دروس استراتژی آگاهی داشته باشند.

* لطفاً نکات زیر را با دقت مطالعه فرمایید:

- ۱- روند دریافت معرفت از روند دریافت علم متفاوت است. دریافت علم و درک آن دارای روند تجربی ست و به صورت بیرونی نمود سریعی می‌یابد. اما دریافت معرفت و روند نمود آن، احتیاج به زمان زیادی دارد. لذا اولیاء گرامی باید به این نکته توجه داشته باشند که اثر دروس آموخته شده به کودک، بلافاصله در او نمود نخواهد داشت؛ بلکه باید به کودک فرصت داد تا مطالب توسط او درک گردد.
 - ۲- هدف آموزش در کلاس درس استراتژی آن نیست که کودک تمامی مطالب را از بر کند و بتواند تمام نکات را از حفظ بگوید. بلکه در هر یک از سطوح درس استراتژی، هدف مشخصی دنبال می‌گردد. هدف اصلی از آموزش سطح یک استراتژی برای کودکان، دادن جهان‌بینی الهی به کودک است. این هدف با ارائه‌ی درس‌های روی‌کرد آیت‌مدار محقق می‌شود.
 - ۳- روش سنجش میزان یادگیری کودک، آزمون گرفتن و پرسیدن جزئیات درس نیست. خوب است که جزئیات درس را با کودک کار کرد و با پرسش و گفتگو به او کمک کرد تا مطالب را بهتر بیاموزد؛ اما اگر می‌خواهید نتیجه‌ی حاصل از کلاس‌های استراتژی را در کودک خود بسنجید، باید نوع نگاه او را به جهان و مخلوقات خداوند بررسی کنید. نتیجه‌ی اصلی حاصل از گذراندن سطح یک استراتژی برای کودکان، تغییر نگاه کودک به عالم و دیدن دست فاعلیت خداوند در پس خلقت موجودات است. برای تقویت این مسأله در کودک خود، مدام توجه او را به چرایی خلقت پدیده‌ها جلب کنید. برای ساده‌تر شدن این کار می‌توانید از ۲۱ درس استراتژی که در کلاس به کودک تدریس شده و نکات آن در این دفترچه ارائه گردیده، استفاده کنید.
 - ۴- برای گرفتن نتیجه‌ی بهتر، فاصله زمانی مشخصی را برای تمرین کردن با کودک، اختصاص دهید.
 - ۵- هر چه کودک به موجودات دیگر توجه بیشتری داشته و در پی کشف چرایی خلقت آن‌ها توسط خدا باشد، در امر آموزش موفق‌تر عمل شده است.
- * تقریباً ۷۰ درصد میزان رضایت‌مندی، به ابداعات کودک و صحبت درباره‌ی آیت‌های جدید، اختصاص دارد؛ و ۳۰ درصد آن، به دریافت نکات عمیق‌تر آیت‌ها در هر فصل اختصاص دارد.

^۱ بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۰. ایشان از ۱۳۷۸/۰۲/۱۵ در مجموعه بیاناتشان به این موضوع پرداخته‌اند.

عنوان درس: آیت پروانه (من هم پروانه می شوم).

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس آشنا شدن کودک با مبحث مراحل و دوره‌های حیات انسان است.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت پروانه و تطبیق مراحل رشد انسان با مراحل تبدیل کرم به پروانه استفاده شده است.

به این ترتیب که کرم‌وارگی مانند دوره‌ی کودکی، پيله‌گی مانند دوره‌ی جوانی و غرور، پروانه‌گی مانند دوره‌ی میانسالی و پختگی است.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که کودک غایت خود را پروانه شدن بداند و برای آن مصداق بیاورد.

ت) کودک می‌آموزد که به‌عنوان یک استراتژیست اولین گام در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن است که چشم‌اندازی از آینده در نظر داشته باشد. به این ترتیب او باید در مورد آینده‌اش حساس شود.

ث) او با بررسی روند کرم و پيله و پروانه، عبرت می‌گیرد که در کرم‌وارگی مانند خوب نیست. در پيله‌گی مانند منفی است. پروانه شدن هدف و غایت است. او باید بتواند برای هر کدام از این مراحل مثال بیاورد.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

- ۱- آشنایی با دوره‌های «کرم‌وارگی، پيله‌گی، پروانه‌گی» و «کودکی، جوانی، میانسالی و پیری»
- ۲- حساس شدن نسبت به انتخاب شغل آینده و برنامه‌ریزی برای دستیابی به آن.

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

- ۱- مقایسه‌ی سه دوره‌ی «کرم‌وارگی، پيله‌گی، پروانه‌گی» با «کودکی، جوانی، میانسالی و پیری».
- ۲- حساس شدن نسبت به شغل و مسئولیت آینده؛ و بیان مثال برای مفهوم پروانگی.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

- ۱- مقایسه‌ی سه دوره‌ی «کرم‌وارگی، پيله‌گی، پروانه‌گی» با «کودکی، جوانی، میانسالی و پیری».
- ۲- حساس شدن نسبت به شغل و مسئولیت آینده؛ و بیان مثال برای مفهوم پروانگی.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس تشویق کودک به استقامت در برابر مشکلات و تهدیدات و فهم چگونگی تبدیل آن‌ها به ارزش و موقعیت ممتاز است.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت صدف و چگونگی ساخت مروارید توسط صدف استفاده شده است. همان‌طور که می‌دانید صدف در آب زندگی می‌کند. گاهی سنگ یا ریگی وارد کفه‌های او می‌شود. چون گوشته‌ی بدن صدف ژله‌ای و نرم است، حضور سنگ او را آزار می‌دهد. او نمی‌تواند از این تهدید فرار کند، پس برای محافظت از خودش در برابر آزار ریگ یا سنگ شروع به ترشح ماده‌ای کرده و همین باعث می‌شود تا ریگ یا سنگ بی‌ارزش، تبدیل به مروارید لطیف و ارزشمندی شود. به این ترتیب در آیت صدف، صدف شبیه زندگی ما و خود ماست و ریگ یا سنگی که وارد صدف می‌شود شبیه مشکلات و مسائل و اعمال ماست.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که کودک خود و زندگی‌اش را مشابه صدف بداند و یاد بگیرد در مواجهه با سنگ‌های مشکلات و تهدیدات در زندگی، شبیه صدف، از آن‌ها مروارید ارزشمند بیروناند. به این ترتیب **او باید مأموریت خود را همچون صدف، مرواریدپروری بداند.**

ت) کودک می‌آموزد که به‌عنوان یک استراتژیست یکی از مهم‌ترین تکنیک‌ها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن است که به مشکلات و مسائل توجه کند، از آن‌ها نترسد و آن قدر به مشکل بپردازد تا آن را در جهت ارتقاء خود مصادره کند.

ث) او با بررسی روند مروارید پروری در صدف، عبرت می‌گیرد که اگر مشکلی برایش پیش آمد، نباید مستأصل شود، فرار کند یا بترسد، بلکه باید آن را به یک ارزش تبدیل کند. او نباید فراموش کند که **یک سنگ زشت ارزشی ندارد، اما مردم بابت مروارید و داشتن آن پول می‌پردازند.**

عمل انسان‌ها هم همین‌گونه است؛ گاهی آن سنگ آزار دهنده همان عمل زشت و نادرست ماست و حالا باید دید که چطور می‌شود آن را به عمل خوب تبدیل کرد.

نهایتاً این‌که، همه‌ی صدف‌ها نمی‌توانند مروارید بیرونانند؛ همه‌ی انسان‌ها نیز نمی‌توانند اعمال بدشان را به اعمال خوب تبدیل کنند. لذا انسان‌هایی باارزشند که بتوانند اعمال بدشان را به اعمال خوب تبدیل کنند.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

۱- خود را شبیه صدف دیدن؛ صدف‌ها باید بتوانند مروارید بیرونانند.

۲- توجه به مشکلات و بیان مثال‌هایی از استقامت در برابر آن‌ها.

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

۱- خود را شبیه صدف دیدن؛ صدف‌ها باید بتوانند مروارید بیرونانند.

۲- توجه به مشکلات و بیان مثال‌هایی از استقامت در برابر آن‌ها و تبدیل آن‌ها به ارزش و نقطه‌ی قوت برای خود.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

۱- خود را شبیه صدف دیدن؛ صدف‌ها باید بتوانند مروارید بیرونانند.

۲- توجه به مشکلات و بیان مثال‌هایی از استقامت در برابر آن‌ها

۳- تطبیق روند کار صدف در تبدیل کردن سنگ به مروارید با مسئله‌ی تبدیل تهدید به موقعیت در زندگی فردی و یا اجتماعی.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس، معرفی خلق عادت‌پذیری انسان به محیط و جوانب منفی آن است.
ب) برای این منظور از آیت آفتاب‌پرست استفاده شده است. آفتاب‌پرست عادت دارد که همواره در کمین باشد و به همین دلیل مدام خود را به رنگ محیط درمی‌آورد. مدل آفتاب‌پرست یک مدل منفی و نامناسب است.
پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که کودک متوجه اهمیت رابطه‌اش با محیط شود.
ت) کودک می‌آموزد که به‌عنوان یک استراتژیست، در محیط ثبات شخصیت داشته باشد. این مفهوم را می‌توان با آزمایش پخش شدن یک قطره جوهر در آب روشن کرد. به این معنی که انسان دارای ثبات شخصیت به مانند لکه‌ی جوهر محیط را به رنگ خود درمی‌آورد.
ث) او در این درس عبرت می‌گیرد که نباید در محیط منفعل باشد. بلکه با داشتن اراده در محیط مؤثر بوده و محیط را به رنگ خود در بیاورد. او باید بتواند برای این مبحث مثال‌های متعددی را ذکر کند.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

۱- مثل آفتاب‌پرست نبودن؛ آشنایی با مفهوم ثبات شخصیت با کمک مثال لکه‌ی جوهر.

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

۱- مثل آفتاب‌پرست نبودن؛ داشتن ثبات شخصیت و درک مفهوم آن با کمک مثال لکه‌ی جوهر.

۲- بیان مثال‌هایی از نحوه‌ی رفتار در محیط و محیط را به رنگ خود در آوردن.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

۱- مثل آفتاب‌پرست نبودن؛ داشتن ثبات شخصیت و درک مفهوم آن با کمک مثال لکه‌ی جوهر.

۲- تفکیک رفتار فعال و منفعلانه در محیط و بیان مثال‌هایی از نحوه‌ی رفتار در محیط و محیط را به رنگ خود در آوردن.

عنوان درس: آیت عنکبوت (من خانه‌ی محکمی می‌سازم).

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس نشان دادن اهمیت انجام کار محکم و با کیفیت در برابر کار سست و ضعیف است.
ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت بیت عنکبوت استفاده شده است.
به این ترتیب که: اولاً عنکبوت‌ها، مهندسین کوچکی هستند که خانه‌هایشان را بسیار با دقت می‌سازند؛ اما اتصالات تارها در خانه‌های آن‌ها زیاد بادوام نیست. ثانیاً روابط خانوادگی عنکبوت‌ها سست است؛ یعنی زمانی که نوزادهای عنکبوت متولد شدند، مادر و یا پدر خود را به‌عنوان غذا می‌خورند. بنابراین بیت عنکبوت سست و ضعیف است. (بیت به معنای خانه و روابط خانوادگی عنکبوت).
بعضی انسان‌ها نیز شبیه عنکبوت اعمال و روابطشان سست و از سر منفعت طلبی است.
پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که:

- خداوند بیت عنکبوت را سست قرار داد تا شیوه‌ی بناسازی سست را نشان دهد. بنای سست معادل «بنای خانه و جامعه و خانواده» است.
- عمل خانه‌سازی عنکبوت خود بنیاد است؛ چون ماده‌ی سازنده‌ی تار را از خودش ترشح می‌کند. همین‌طور در روابط خانوادگی نیز اصالت با مصالح موقت است و تا این مصالح به اتمام برسند، دشمنی آن‌ها آغاز می‌شود. انسان نیز اگر اصالت را به خود بدهد بنایی که می‌سازد سست خواهد بود و اولین قربانی این عمل خود اوست.

- کسانی که ولایت غیر خدا را می‌پذیرند تنها برای مصالح زودگذر دنیوی دست به این انتخاب می‌زنند و دیر یا زود با پایان یافتن این مصالح در دنیا و یا آخرت دشمن یکدیگر می‌شوند؛ روابط این افراد بنا بر آیه‌ی (۴۱) سوره‌ی عنکبوت همانند بیت عنکبوت سست است.
«مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنَ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»
بنابراین: انسان به تنهایی نمی‌تواند بنا و جامعه‌ی محکمی بسازد؛ همین‌طور با توسل به قدرتی ضعیف نیز نمی‌تواند به نتیجه برسد. تنها راه نجات دوری گزیدن از ولایت طاغوت و پذیرفتن ولایت الهی است.

ت) کودک می‌آموزد که یک استراتژی مهم در تصمیم‌گیری، کیفیت انجام کار، متعهدانه و تمام و کمال انجام دادن آن است.
ث) او با بررسی رفتار عنکبوت‌ها عبرت می‌گیرد که: نباید همچون عنکبوت بناسازی کند و بنایی را در جامعه بسازد که سست باشد، بلکه باید هر کاری که انجام می‌دهد قرص و محکم باشد. نباید کار را نیمه‌کاره و ناتمام رها نماید. در روابط میان انسان‌ها نباید نگاه سودانگارانه داشته باشد، چون روابط و پیوندهایی که براساس منافع شخصی شکل می‌گیرند، ناپایدار هستند. او می‌آموزد که نباید هیچ پیوند سستی را در روابط آینده‌ی زندگی‌اش ایجاد کند.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

۱- درک این‌که انسان نباید کارهایی که انجام می‌دهد، شبیه خانه‌ی عنکبوت سست باشد. (ارائه‌ی مثال‌هایی از عمل نکردن به قول و عهد، برای این منظور، بسیار مناسب است.)

۲- مثال‌هایی برای کارها و روابط سست و همین‌طور کارها و روابط محکم و درست بیان کند.

ب) کودک ۶ تا ۹ سال

۱- درک این‌که انسان نباید کارهایی که انجام می‌دهد، شبیه خانه‌ی عنکبوت سست باشد. (ارائه‌ی مثال)

۲- مثال‌هایی برای کارها و روابط سست و همین‌طور کارها و روابط محکم و درست بیان کند.

۳- درک اهمیت کیفیت و تعهد در انجام امور.

ج) کودک ۹ تا ۱۲ سال

۱- درک این‌که انسان نباید کارهایی که انجام می‌دهد، شبیه خانه‌ی عنکبوت سست باشد. (ارائه‌ی مثال)

۲- مثال‌هایی برای کارها و روابط سست و همین‌طور کارها و روابط محکم و درست بیان کند.

۳- درک اهمیت کیفیت و تعهد در انجام امور.

۴- تفکیک ولایت الهی از ولایت طاغوت و قیاس آن به آیت بیت عنکبوت.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس تبیین سه نکته‌ی اصلی برای کودک است: (۱) عمل کردن به باورها؛ (۲) اصلاح باورهای نادرست؛ (۳) مؤاخذه به این‌که چرا به باورهایش عمل نمی‌کند.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت زنبور و سازوکار عسل‌سازی توسط او استفاده شده است. به این ترتیب که: انسان و عمل او شبیه زنبور عسل و عمل زنبور عسل است. به زنبور عسل وحی شده است که در بلندی‌ها، کوه‌ها و جنگل‌ها خانه بسازد؛ شهد گیاهان را بمکد؛ به خانه‌اش باز گردد و در شکمش شربابی شیرین به رنگ‌های مختلف بسازد، که شفاء امراض و بیماری‌های مختلف است. انسان نیز از خانه‌اش به سوی جامعه و مدرسه می‌رود، درس می‌آموزد و آن درس را در قلب و فکرش فهم کرده و به عمل تبدیل می‌کند؛ که نتیجه‌اش درمان دردهای خانواده و جامعه است.

پ) نتیجه‌ی حکمی آن که: حکیم کسی است که به آنچه ایمان و باور دارد، عمل می‌کند. علم درست و عمل درست راز زندگی دینی است. بنابراین انسان باید مأموریت خود را همچون زنبور عسل یافتن دانسته‌های درست و عمل به آن‌ها قرار دهد.

ت) کودک می‌آموزد که: عالم بی‌عمل مثل زنبور بی‌عسل است. اگر عصاره‌ی علم را بگیریم و در جامعه به آن عمل نکنیم، همانند زنبور بی‌عسل هستیم.

ث) کودک با بررسی عمل زنبور، عبرت می‌گیرد که: باید باورهای درست داشته باشیم. به باورهای درست و حق خود عمل کنیم. زیاد دانستن اصالت نداشته و مهم نیست، بلکه آن مقدار که عمل می‌کنیم مهم بوده و نجات‌بخش است.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

۱- عالم بی‌عمل مثل زنبور بی‌عسل است. بنابراین هر انسانی باید به دانسته‌هایش عمل کند.

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

۱- انسان و عمل او همانند زنبور و عمل تولید عسل توسط او است. کندو همانند خانواده، گلزار هم‌چون جامعه و مدرسه و طبیعت، شکم زنبور مانند قلب مؤمن و شهد گل‌ها مانند عصاره‌ی علم و معرفت است.

۲- انسان باید به دانسته‌های درست و حق خود عمل کند.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

۱- انسان و عمل او همانند زنبور و عمل تولید عسل توسط او است. کندو همانند خانواده، گلزار هم‌چون جامعه و مدرسه و طبیعت، شکم زنبور مانند قلب مؤمن و شهد گل‌ها مانند عصاره‌ی علم و معرفت است.

۲- شناسایی و تفکیک عمل درست از نادرست.

۳- درک اهمیت عمل به دانسته‌های درست و تلاش برای عملیاتی کردن این مفهوم.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس، آشنا کردن کودکان با آیت‌مداری و چگونگی استفاده از آیت‌ها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است.
ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت کلاغ در داستان قرآنی پسران حضرت آدم (ع) استفاده شده است. به این ترتیب که:

اکثر حیوانات در هنگام مرگ خود را از نظر پنهان می‌کنند. کلاغ‌ها جزء آن دسته از جانداران هستند که برای مردگان خود مراسم تدفین برگزار می‌کنند. کلاغ اولین موجودی است که روش دفن کردن مردگان را، به خواست خدا، به بشر آموخت. فرزند آدم دید و شبیه کلاغ عمل دفن مردگان را انجام داد.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که اراده‌ی الهی در پس اعمال موجودات نهفته است. پدیده‌ها خلق شدند تا درماندگی بشر را برطرف سازند. بعد از مبعوث شدن کلاغ برای آموزش روش دفن مردگان، بشر از او آموخت و در تمام تاریخ بشر تا به امروز قبرستان‌هایی برای دفن مردگان ساخته شده است.

ت) کودک می‌آموزد، تمام موجودات و پدیده‌ها در عالم به ما درس می‌دهند و ابزار تکلم خدا با ما هستند.

ث) او در این درس عبرت می‌گیرد که: خداوند از درون ما آگاه است.

بشر نیاز داشت تا تصمیمی بگیرد، درمانده شده بود و نمی‌دانست چه تصمیمی بگیرد؛ که خداوند کلاغ را فرستاد. کلاغ جسد موجود دیگری را در زیر خاک دفن کرد. انسان دفن کردن را از کلاغ آموخت. کلاغ مأمور آموختن تصمیم‌گیری به انسان بود.

او از داستان کلاغ درس می‌گیرد که اگر کسی یک نفر را بکشد گویا همه را کشته و اگر یک نفر را نجات دهد، همانند این است که همه را نجات داده است. چرا که با کشتن یک نفر تمام فرزندان و نسل بعد از او را نابود کرده و با نجات دادن او نسل حاصل از او را حفظ کرده است.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

۱- آشنایی با داستان قرآنی کلاغ.

۲- شناخت کلاغ به عنوان اولین موجودی که روش دفن کردن مردگان را به انسان آموخت.

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

۱- آشنایی با داستان قرآنی کلاغ؛ و شناسایی کلاغ به عنوان مأموری از سوی خدا که تصمیمی را به انسان یاد داد.

۲- شناخت کلاغ به عنوان اولین موجودی که روش دفن کردن مردگان را به انسان آموخت.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

۱- آشنایی با داستان قرآنی کلاغ؛ و شناسایی کلاغ به عنوان مأموری از سوی خدا که تصمیمی را به انسان یاد داد.

۲- شناخت کلاغ به عنوان اولین موجودی که روش دفن کردن مردگان را به انسان آموخت.

۳- آشنایی با اهمیت خلقت موجودات به عنوان آیت‌هایی که درس تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به ما می‌دهند.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس، آشنا کردن کودکان با یکی از آفت‌های تصمیم‌گیری، به نام تصمیم‌گیری خطی است.

ب) برای این منظور از آیت مگس استفاده شده است. مگس از جمله آیات سلبی است. یکی از عادات مگس‌ها این است که در پشت شیشه‌ی پنجره مدام خود را به شیشه بکوبند. حتی اگر گوشه‌ی پنجره برای خروج از محل باز باشد آن‌ها توجهی نداشته و گویا اصرار دارند تا از میان شیشه عبور کنند. نتیجه‌ی این اصرار مگس هلاکت اوست. کوسه و انواع ماهی‌ها نیز رفتاری مشابه مگس دارند؛ به همین دلیل است که در تورهای ماهی‌گیری به دام می‌افتند. بر همین اساس مگس و سایر جاندارانی که رفتاری مشابه او دارند، آیت تصمیم‌گیری خطی هستند.

بر خلاف مگس، ماهی‌ها و کوسه، دلفین در تصمیم‌گیری آیت روش غیرخطی است. او وقتی به مانعی همچون تور ماهی‌گیری می‌رسد، راه‌های مختلف را برای عبور بررسی می‌کند و اگر راهی نباشد از روی تور می‌پرد.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که، کودک هر زمان متوجه شد تصمیم اشتباهی گرفته است بلافاصله از آن تصمیم بازگردد و آن را اصلاح کند. این همان معنای توبه و بازگشت از اشتباه می‌باشد.

ت) کودک می‌آموزد که به‌عنوان یک استراتژیست، در مواجهه با مسائل همانند دلفین رفتار کند و نه مانند مگس. به این معنی که: اولاً تصمیم‌های متنوعی بسازد. ثانیاً بهترین آن‌ها را برای اجرا انتخاب کند. ثالثاً هر زمان متوجه اشتباهی در تصمیم‌گیری شد، بلافاصله از آن بازگردد.

ث) او در این درس عبرت می‌گیرد که همیشه دور زدن و بازگشتن اشتباه نیست. اگر تصمیمی غلط باشد تکرار آن کار درستی نبوده و باعث نابودی او خواهد شد. اصرار بر یک تصمیم زمانی درست است که آن تصمیم درست و حق باشد.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

- ۱- آشنایی با روش تصمیم‌گیری خطی و غیرخطی براساس روش تصمیم‌گیری خطی مگس و روش تصمیم‌گیری غیرخطی دلفین.
- ۲- بیان مثال‌هایی از این دو نوع تصمیم‌گیری.
- ۳- فهم اهمیت بازگشت از تصمیم اشتباه.

ب) کودک ۶ تا ۹ سال

- ۱- درک مفهوم تصمیم‌گیری خطی و غیرخطی براساس روش تصمیم‌گیری خطی مگس و روش تصمیم‌گیری غیرخطی دلفین.
- ۲- بیان مثال‌هایی از این دو نوع تصمیم‌گیری.
- ۳- فهم اهمیت بازگشت از تصمیم اشتباه.

ج) کودک ۹ تا ۱۲ سال

- ۱- درک مفهوم تصمیم‌گیری خطی و غیرخطی براساس روش تصمیم‌گیری خطی مگس و روش تصمیم‌گیری غیرخطی دلفین.
- ۲- بیان مثال‌هایی از این دو نوع تصمیم‌گیری.
- ۳- فهم اهمیت بازگشت از تصمیم اشتباه.
- ۴- شناخت مفهوم توبه.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس آن است که کودک بیاموزد اگر در محیط سخت و نامناسبی قرار گرفت و یا جامعه‌اش دچار مشکل شد، چگونه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نماید و کنترل اوضاع را به دست بگیرد.

ب) برای این منظور از استراتژی قورباغه، به عنوان یکی از استراتژی‌های به کار گرفته شده توسط غرب در برابر کشورمان، استفاده شده است. این استراتژی به عنوان یک ضرب‌المثل شناخته می‌شود. به این ترتیب که:

یکی از غذاهای مورد علاقه‌ی فرانسوی‌ها قورباغه‌ی آب‌پز است. آن‌ها قورباغه را در حالی که زنده است داخل قابلمه‌ی آب انداخته، بعد قابلمه را روی شعله‌ی آتش قرار می‌دهند. آب کم‌کم گرم می‌شود و قورباغه چون موجودی خونسرد است و بر دمای بدنش کنترل ندارد، هم‌زمان با گرم شدن آب، دمای بدنش افزایش می‌یابد، تا این‌که نهایتاً آب‌پز می‌شود.

- ما انسان‌ها شبیه قورباغه ممکن است در شرایطی قرار بگیریم که نسبت به محیط اطرافمان بی‌تفاوت و منفعل باشیم، در این حالت ممکن است اوضاع برای ما ناامن شود؛ همان‌طور که وقتی آب به تدریج گرم می‌شود، محیط آن برای قورباغه ناامن می‌گردد.

- کشورها و جوامع نیز شبیه قورباغه ممکن است در شرایطی قرار بگیرند که محیط برایشان ناامن شده و آب‌پز شوند.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که انسان باید به مناسبات محیط حیاتش حساس باشد و عملکرد خود را در محیط تعریف کند. بی‌اراده بودن در محیط و به طبع محیط عمل کردن مذموم است.

ت) کودک می‌آموزد، زمانی که شرایط محیط دچار ناامنی گردید، باید نسبت به آن اقدام نماید. این اقدام در درجه‌ی اول تغییر محیط و در درجه‌ی بعدی ترک محیط است.

راه توجه به محیط و غافل نشدن از آن این است که انسان باید همیشه در هجرت باشد. انسان هاجر توقف‌گاه دائمی ندارد. او در تمامی ابعاد وجودی خویش در هجرت است. از یک عمل نادرست به عمل درست. از رفتار باطل به رفتار حق؛ او در درون محیط هجرت می‌کند و یا از محیط هجرت می‌کند.

- انسان باید توان و شجاعت جدا شدن از محیط و قدرت هجرت داشته باشد.

ث) کودک در این درس عبرت می‌گیرد که: نسبت به محیط اطرافش و تغییرات آن بی‌تفاوت و خونسرد نباشد. همیشه این‌طور نیست که دشمنان به او حمله کنند، گاهی محیط را برای او ناامن می‌سازند. برای خنثی کردن استراتژی دشمن، باید همیشه در زندگی آگاه بود و غفلت نکرد. برای زدودن غفلت انسان باید بصیرت داشته باشد. کسی می‌تواند هجرت کند که بصیرت داشته باشد.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

۱- شناخت ویژگی خونسرد بودن قورباغه و عدم عکس‌العمل او نسبت به تغییرات محیط.

۲- ایجاد نفرت نسبت به رفتار ظالمانه با جانداران. تأکید با شعر:

«میازار موری که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است.»

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

۱- شناخت قورباغه به عنوان یک موجود خونسرد.

۲- آشنایی با روش پخت قورباغه در فرانسه.

۳- ایجاد نفرت نسبت به رفتار ظالمانه با جانداران. تأکید با شعر:

«میازار موری که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است.»

۴- اهمیت توجه به محیط و غافل نبودن از آن جهت دچار نشدن به مصیبت قورباغه.

۵- اهمیت تلاش برای تغییر محیط و یا ترک آن در شرایط بحرانی.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

۱- شناخت قورباغه به عنوان یک موجود خونسرد.

۲- آشنایی با روش پخت قورباغه در فرانسه.

۳- ایجاد نفرت نسبت به رفتار ظالمانه با جانداران. تأکید با شعر:

«میازار موری که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است.»

۴- عدم غفلت از محیط و اهمیت داشتن بصیرت نسبت به آن.

۵- اهمیت تلاش برای تغییر محیط و یا هجرت از آن برای حفظ بقاء خود و باوره‌ایمان.

۶- بررسی مثال‌های مربوط به موضوع، از جمله هجرت مسلمانان در صدر اسلام و یا مثال‌هایی از شرایط امروز در جهان.

۷- توان تفکیک زمان هجرت و یا پایداری در محیط و تغییر آن.

عنوان درس: آیت پرواز (من هم پرواز می‌کنم).

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس تبیین ضرورت نه گفتن به خواهش‌های نفسانی است.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت پرواز استفاده شده است. به این ترتیب که:

- پرنده برای پرواز نیاز به بال، هوا و اراده‌ی پرواز دارد.
- انسان شبیه پرنده‌ای است که برای پرواز و متعالی شدن نیاز به سه عامل اصلی بال، هوی و اراده‌ی پرواز دارد.
- بال پرواز انسان، ایمان، یقین، تقوا و حیاء است. هوا و بستر پرواز انسان، هوی نفس، خواهش‌ها و وسوسه‌های نفسانی خود و دیگران است.
- اراده‌ی پرواز برای انسان به این معنی است که بخواهد متعالی شود و به تبع آن هوس‌ها و خواسته‌هایش را زیر پا گذاشته و از آن‌ها بگذرد. در این مسیر است که انسان به مقام شهادت می‌رسد.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که لازمه‌ی پرواز، وجود مانع در محیط پرواز است. گذر از مانع هوی و هوس، انسان را متعالی می‌کند. این موانع و مشکلات هستند که انسان را می‌سازند و باعث بزرگ شدن او می‌شوند.

اگر هوا را از محیط پرواز پرنده حذف کنیم، پرنده دیگر قادر به پرواز نخواهد بود؛ هوا باید باشد تا پرنده پرواز کند. انسان هم اگر می‌خواهد متعالی شود باید مانع هوی و هوسی وجود داشته باشد تا بر پشته‌های آن هوس‌ها فشار بیاورد و بالا برود.

ت) کودک می‌آموزد، هر مانعی سر راه بود با استفاده از همان مانع و کنار زدنش باید متعالی شد.

ث) او در این درس عبرت می‌گیرد که: انسان‌ها اگر دلم می‌خواهدها و هوس‌هایشان را زیر پا گذاشتند، به تعالی می‌رسند؛ در غیر این صورت محکوم به نابودی هستند.

هر کس براساس ظرفیت و توان هوس‌پیمایی‌اش، می‌تواند بالاتر پرواز کند. یک گنجشک کوچک در قیاس با عقاب بلندپرواز، چه مقدار می‌تواند اوج بگیرد. گنجشگ ظرفیت پریدن در ارتفاع پرواز عقاب را ندارد. به همین نسبت انسان‌ها نیز به تناسب ظرفیت تقوا و ایمان خویش پرواز کرده و اوج می‌گیرند.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

- ۱- درک ضرورت هوا برای پرواز کردن یک پرنده.
- ۲- شناخت این که خواسته‌ها و هوس‌های دل، شبیه هوای مورد نیاز برای پرواز است. (ممکن است درک این نکته برای کودک دشوار باشد).

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

- ۱- شناخت سه عامل مهم پرواز و درک ضرورت هوا برای پرواز کردن یک پرنده.
- ۲- شناخت این که خواسته‌ها و هوس‌های دل، شبیه هوای مورد نیاز برای پرواز است.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

- ۱- شناخت سه عامل مهم پرواز و درک ضرورت هوا برای پرواز کردن یک پرنده.
- ۲- شناخت این که خواسته‌ها و هوس‌های دل، شبیه هوای مورد نیاز برای پرواز است.
- ۳- درک این نکته که هوی و هوس و سایر موانع می‌توانند به عنوان عاملی برای پرواز و تعالی انسان باشند.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس معرفی یکی از حالت‌های تصمیم‌گیری غیرخطی است. تصمیم‌گیری‌های غیرخطی از روش‌های توصیه شده برای تصمیم‌گیری هستند.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت خرچنگ و ویژگی راه‌رفتن آن استفاده شده است.

خرچنگ‌ها از خانواده‌ی بندپایان و جزء سخت‌پوستان هستند. آن‌ها چنگال‌های انبر شکلی دارند؛ در خشکی و هم در آب زندگی می‌کنند. یکی از ویژگی‌های اصلی خرچنگ این است که اگر جاندارى به آن‌ها حمله کند، برای فرار کردن به سمت پهلو حرکت می‌کنند، برخلاف عادت سایر جانداران که به سمت عقب فرار می‌کنند.

به این ترتیب خرچنگ، آیتی در جهت عمل کردن برخلاف عادت و بهم خوردن عادت‌هاست.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که کودک چگونگی تصمیم در محیط را از خرچنگ آموخته و به این بیندیشد که چگونه با کمک قوه‌ی عقل و اختیارش تصمیمی غیرقابل پیش‌بینی بگیرد. به این ترتیب او درمی‌یابد که باید بتواند غیرقابل پیش‌بینی باشد.

ت) کودک می‌آموزد که یک استراتژی مهم در تصمیم‌گیری، روش تصمیم‌گیری غیرخطی است، که نتیجه‌ی آن غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتار او برای دیگران خواهد بود.

ث) او با بررسی نوع رفتار خرچنگ در برابر دشمنانش، عبرت می‌گیرد که: توان انجام عمل غیرمتعارف را داشته باشد. او می‌آموزد که روش ثابت در همه‌جا مشکل او را برطرف نخواهد کرد و لازم است در شرایطی تصمیم‌های غیرقابل پیش‌بینی بگیرد. درست همانند خرچنگ.

* در انتها باید به این نکته توجه کرد که کودک غیرقابل پیش‌بینی بودن را با هنجارشکنی اشتباه نگیرد. برای رفع این مشکل به این دو نکته توجه کنید.

۱- مثال‌هایی که برای کودک می‌زنید به کارهای درست و خوشحال کردن دیگران اختصاص داشته باشد. مثلاً خرید هدیه برای یک دوست در شرایطی که او انتظارش را ندارد.

۲- تصمیم‌گیری غیرمتعارف و عمل غیرقابل پیش‌بینی را روشی در برابر دشمن تعریف کنید. علت آن را این‌طور مطرح کنید که نباید همیشه یک روش را در برابر دشمن به کار برد؛ چرا که اولاً یک روش همیشه جواب نمی‌دهد. ثانیاً اگر همیشه یک روش را تکرار کنیم دشمن متوجه شده و ما را شکست می‌دهد.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

۱- خود را شبیه خرچنگ دیدن؛ خرچنگ‌ها رفتار غیرقابل پیش‌بینی و خلاف عادت دارند.

۲- بیان مثال‌هایی از رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و خلاف عادت.

ب) کودک ۶ تا ۱۰ سال

۱- خود را شبیه خرچنگ دیدن؛ خرچنگ‌ها رفتار غیرقابل پیش‌بینی و خلاف عادت دارند.

۲- بیان مثال‌هایی از رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و خلاف عادت.

۳- تفکیک رفتارهای متعارف و روزانه، از اعمال غیرمتعارف و غیرقابل پیش‌بینی.

ج) کودک ۱۰ تا ۱۲ سال

۱- خود را شبیه خرچنگ دیدن؛ خرچنگ‌ها رفتار غیرقابل پیش‌بینی و خلاف عادت دارند.

۲- بیان مثال‌هایی از رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و خلاف عادت.

۳- تفکیک رفتارهای متعارف و روزانه، از اعمال غیرمتعارف و غیرقابل پیش‌بینی.

۴- آشنایی با مفهوم اجبار و اختیار در عمل.

۵- آشنایی با عملکرد نامتقارن در برابر در برابر دشمن.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس روشن ساختن چگونگی علم‌آموزی برای آموزگاران است.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت نشخوار کردن گاو استفاده شده است. گاو بعد از این که به اندازه‌ی نیاز علوفه خورد، گوشه‌ای لم داده و نشخوار می‌کند. در این حال فقط دهانش حرکت می‌کند. معده‌ی حیوانات نشخوارکننده چهار قسمت دارد. آن‌ها ابتدا علوفه و مواد غذایی را کمی می‌جویند و به صورت تکه‌های درشت می‌بلعند. بعد از بلع غذا وارد شکمبه می‌شود. در آنجا تکه‌های غذا خیس خورده و مدتی بعد وارد نگاری می‌گردد. در نگاری تکه‌های غذا به صورت ساچمه‌های کوچکی در می‌آید. سپس به تدریج غذا از نگاری به مری و دهان حیوان برگشته و دوباره جویده می‌شود. بعد غذای کاملاً جویده شده وارد هزارلا شده و از آنجا وارد بخش‌های جذب و دفع می‌گردد.

به این ترتیب در آیت نشخوار گاو، سازوکار هضم و جذب علم و معرفت در انسان شبیه سازوکار نشخوار کردن و هضم و جذب مواد غذایی در گاو است. **عمل نشخوار کردن آیت علم‌آموزی است.**

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که گاو علوفه و مواد غذایی را با نشخوار کردن به خوبی جویده و آماده‌ی جذب می‌سازد. این مواد خوب جویده شده با گذر از اندام‌های جذب و دفع گاو به شیر و گوشت تبدیل می‌شوند و نهایتاً مواد زائد دفع می‌گردند. به همین ترتیب انسان معرفت و علمی را که دریافت کرده باید همانند گاو نشخوار کند، یعنی در آن **تعمق** کند، تا هضم و جذب شده و به باور او تبدیل گردد. **انسان طراز در علم‌آموزی باقر است؛ که می‌تواند علم را بشکافد.**

ت) کودک می‌آموزد که به‌عنوان یک استراتژیست یکی از مهم‌ترین تکنیک‌ها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن است که در کار علمی و آموزشی حافظه‌محوری را کنار بگذارد. روش کار فکری و معرفتی براساس سیستم گوارش حیوانات نشخوارکننده است.

ث) او با بررسی عمل نشخوار کردن گاو، عبرت می‌گیرد که: **ظرفیت هر کس برای دریافت علم و معرفت از دیگری متفاوت است؛ همانند تفاوت ظرفیت معده‌ی انسان‌ها در دریافت غذا. علم‌آموزی شبیه غذا خوردن است و باید گام‌بندی داشته باشد.** انسان در کار معرفتی و دریافت علم باید بداند که دوره‌ی زمانی نشخوار علمی و هضم و جذب آن چقدر طول می‌کشد. معرفت دریافتی انسان هرچه باشد باید هضم و جذب او گردد، در غیر این صورت دفع خواهد شد و بی‌فایده است.

* اگر به کودکی که معده‌اش ظرفیت هضم غذایی مثل گوشت کباب شده را ندارد، به اجبار کباب بخورانیم او مریض می‌شود و دچار حالت تهوع می‌شود.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

۱- شناخت مراحل نشخوار گاو و شرح عمل نشخوار کردن.

۲- احتمال کمی وجود دارد که کودک در این سن بتواند مفهوم علم‌آموزی و گام‌بندی در دریافت علم را با عمل نشخوار کردن، قیاس کند. لذا اصراری در درک این مفهوم وجود ندارد.

ب) کودک ۶ تا ۹ سال

۱- شناخت کامل مراحل نشخوار گاو و شرح آن.

۲- قیاس علم‌آموزی با مراحل نشخوار گاو. ممکن است در این سن درک مفهوم آیت علم‌آموزی برای کودک اندکی دشوار باشد.

ج) کودک ۹ تا ۱۲ سال

۱- شناخت کامل مراحل نشخوار گاو و شرح آن.

۲- قیاس علم‌آموزی با مراحل نشخوار گاو.

۳- بررسی فرآیند علم‌آموزی و آفت‌های آن با توجه به روند نشخوار گاو.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس توجه دادن آموزگاران به اهمیت یادآوری حیات پس از مرگ و عاقبت زندگی انسان به عنوان آیتی تکرار شونده در جهان خلقت است.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت خروس استفاده شده است. به این ترتیب که: همان طور که در شب و روز مادی، که حاصل گردش زمین به دور خورشید هستند، بانگ خروس ما را از خواب شب بیدار می کند، در قیامت صدای صور اسرافیل ما را از خواب مرگ بیدار خواهد کرد. نام دیگر خروس، «سروش» است. سروش به معنای فرشته‌ی پیام‌آور است. خروس آیت صور اسرافیل در قیامت است.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که انسان حکیم همواره عاقبت‌مدار بوده و غایت حیات خود را آماده شدن برای روز قیامت می بیند. نت) کودک می آموزد، همان طور که از خواب بیدار می شویم، روزی که مردیم دوباره در قیامت زنده خواهیم شد. اگر فکر کردیم که بعد از مرگ زنده نخواهیم شد، به هلاکت رسیده ایم.

ث) او در این درس عبرت می گیرد که: همان طور که خروس ما را از خواب شب بیدار می کند، بانگ صور اسرافیل ما را در سحر خواب مرگ بیدار خواهد کرد. هر بار که از خواب برمی خیزیم، فرصت دوباره‌ای است که برای آماده شدن برای روز حساب و قیامت به ما داده شده است. خواب ماندن در قیامت یعنی نتوانیم پرونده‌ی اعمال مناسبی فراهم کنیم و در نتیجه از امتحان دنیا سربلند بیرون نیاییم.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

۱- شناخت خروس و نقش آن در بیدار کردن انسان.

۲- شناخت فرشته‌ی صور اسرافیل و قیاس عمل او با بانگ خروس در سحرگاه.

ب) کودک ۶ تا ۹ سال

۱- شناخت خروس و نام دیگر آن با عنوان سروش؛ و شناخت فرشته‌ی اسرافیل.

۲- شناخت نقش خروس در بیدار کردن انسان و صدای صور اسرافیل در بیدار کردن انسان از خواب مرگ.

ج) کودک ۹ تا ۱۲ سال

۱- شناخت خروس و نقش آن در بیدار کردن انسان.

۲- شناخت نقش خروس در بیدار کردن انسان و صدای صور اسرافیل در بیدار کردن انسان از خواب مرگ.

۳- قیاس مرگ با خواب؛ قیامت با بیداری؛ و آماده شدن برای روز قیامت.

۴- درک این نکته که هر روز صبح، وقتی از خواب بیدار می شویم همانند یک فرصت تازه برای مهیا کردن توشه برای آخرت است.

عنوان درس: آیت آفتاب گردان (مزرعهی آفتاب گردان)

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس تبیین اهمیت هماهنگی و هم‌سویی با نور الهی در جماعت است.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت مزرعهی آفتاب گردان و تطبیق آن با نماز جماعت استفاده شده است. به این ترتیب که:

- انسان‌ها شبیه آفتاب گردان هستند. خورشید فاعل است، آفتاب گردان منفعّل بوده و از نور خورشید تغذیه می‌کند، انسان نیز برای رشد و تعالی نیازمند نور معرفت الهی است.

- جماعت انسان‌ها شبیه مزرعهی آفتاب گردان است. برای مثال می‌توان به جماعت مسلمان‌ها در نماز جماعت اشاره کرد.

- آفتاب گردان آیت معرفت‌شناسی در حکمت الهی و خورشید آیت منشاء شناخت و معرفت است. مزرعهی آفتاب گردان آیت جامعهی انسانی و انطباق آن با نور الهی است.

پ) نتیجهی حکمی این درس آن است که:

- قلب انسان شبیه گل آفتاب گردان در جستجوی نور حقیقت برای متعالی شدن، باید رو به سوی خورشید حقیقت و معرفت الهی داشته باشد. انسان باید مأموریت خود را هماهنگی با نور حقیقت و ذات اقدس الهی بداند.

- حرکت هماهنگ گل‌های آفتاب گردان در مزرعهی آفتاب گردان شبیه نماز جماعت و هماهنگی نمازگزاران با امام جماعت و نمازخواندن به سوی یک قبله است. حکمت نماز جماعت، هماهنگی و هم‌سویی در جهت یک قبله و اقتدا به امام جماعت است.

- نظم پولادین دانه‌های آفتاب گردان و هماهنگی بی‌نظیر گل‌های آفتاب گردان در مزرعهی آفتاب گردان، در نسبت با خورشید، مفهوم وحدت در کثرت را نمایش داده و توحید را در طبیعت به تصویر می‌کشد. هر گیاه آفتاب گردان شبیه یک جامعهی انسانی است و تخمه‌های روی هر گل نمایندهی اقوام و قبایل آن جامعه هستند. همان‌طور که در مزرعهی آفتاب گردان همه‌ی گل‌ها در هماهنگی کامل با خورشید قرار دارند، می‌شود تمام اقوام و قبایل و کشورهای جهان را با توجه به نور حق و ایمان، با یکدیگر هماهنگ کرد.

ت) کودک می‌آموزد به‌عنوان یک استراتژیست، از خدا غافل نشود. حجاب نور را کنار بزند و اگر پشت به خورشید حقیقت کرده است، برگردد. او در این درس عبرت می‌گیرد که، گیاه آفتاب گردان از خود نوری ندارد، اگر داشت با خورشید هماهنگ نمی‌شد. ما انسان‌ها نیز همانند گل آفتاب گردان هستیم. برای رشد و تعالی نیازمند نور الهی هستیم. نباید خورشید خود را گم کنیم. نباید نور کم ستاره‌ها و ماه ما را گمراه کنند. حجاب نور همانند ابر می‌ماند. ابر خود نعمت است، اما گاهی نعمت‌ها نیز ما را به خود مشغول می‌کنند و از خدا غافل می‌سازند. هر فرد و جامعه‌ای که به نور حقیقت پشت کند، اول از همه خود او دچار پژمردگی و هلاکت می‌گردد.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

- ۱- ما انسان‌ها شبیه آفتاب گردان هستیم.
- ۲- مزرعهی آفتاب گردان آیت نماز جماعت است.
- ۳- همان‌طور که گل آفتاب گردان از خود نور ندارد و نگاهش به خورشید است و اگر به آن پشت کند پژمرده می‌شود. ما انسان‌ها نیز به نور خدا احتیاج داریم و اگر به آن پشت کنیم پژمرده می‌شویم.

ب) کودک ۶ تا ۹ سال

- ۱- ما انسان‌ها شبیه آفتاب گردان هستیم.
- ۲- مزرعهی آفتاب گردان آیت نماز جماعت است.
- ۳- همان‌طور که گل آفتاب گردان از خود نور ندارد و نگاهش به خورشید است و اگر به آن پشت کند پژمرده می‌شود. ما انسان‌ها نیز به نور خدا احتیاج داریم و اگر به آن پشت کنیم پژمرده می‌شویم.
- ۴- ابر آیت حجاب و مانع میان نور الهی و انسان مؤمن است. هر گونه حجابی باعث پژمردگی خواهد شد.

ج) کودک ۹ تا ۱۲ سال

۱- ما انسان‌ها شبیه آفتاب‌گردان هستیم.

۲- مزرعه‌ی آفتاب‌گردان آیت نماز جماعت است.

۳- گل آفتاب‌گردان آیت قلب انسان مؤمن است؛ و نور خورشید، آیت نور حقیقت و دین الهی است.

۴- ابر آیت حجاب و مانع در برابر حقیقت و نور ایمان است.

عنوان درس: آیت میمون (میمون آدم نمی شود).

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس، آشنا کردن کودکان با وجه تمایز انسان از سایر حیوانات است.
ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت میمون استفاده شده است.
به این ترتیب که: میمون تنها حیوانی است که از نظر ظاهری بسیار به انسان شبیه است و با زیرکی از کارهای انسان تقلید می کند.
میمون آیت این است که انسان طینت بهیمی دارد یعنی بخشی از جسم انسان شبیه حیوان است.
پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که: با وجود این که انسان طینت بهیمی دارد، حیوان نیست. میمون خلق شده است تا به انسان بگوید که حیوان نیست؛ هرچند ظاهری شبیه حیوانات داشته باشد.
ت) کودک می آموزد که هیچ حیوانی آدم نمی شود؛ اما انسان ممکن است حیوان و از حیوان هم بدتر شود.
ث) او عبرت می گیرد که: میمون آدم نمی شود؛ اما آدم ممکن است حیوان شود. درست است که ظاهر میمون شبیه انسان است، اما این شباهت دلیل بر این نیست که روزی میمون آدم شود. اگر این طور بود باید تمام میمون‌ها آدم می شدند و دیگر میمونی وجود نداشت.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

- ۱- میمون آدم نمی شود. (این رو بدون همیشه، میمون آدم نمی شه.)
- ۲- توجه به این نکته که شباهت ظاهری میان انسان و میمون دلیل نمی شود که میمون روزی انسان شود و یا بالعکس انسان روزی میمون بوده باشد.

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

- ۱- شناخت شباهت ظاهری میمون و انسان به عنوان نشانه‌ی این که هرگز میمون آدم نمی شود.
- ۲- شناخت عقل به عنوان وجه تمایز میان انسان و میمون.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

- ۱- شناخت شباهت ظاهری میمون و انسان به عنوان نشانه‌ی این که هرگز میمون آدم نمی شود.
- ۲- شناخت عقل به عنوان وجه تمایز میان انسان و میمون؛ و نقد نظریه تکامل طبیعی داروین.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس آموزش انفاق به عنوان یکی از اصول اقتصاد استراتژیک به کودکان است.
ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از مثال گندم، استفاده شده است. به این ترتیب که:
۱- گندم آیت انفاق و سازوکار آن است. چون یک دانه از آن وقتی کاشته می شود چند صد دانه محصول می دهد.
۲- هر رویدنی دیگری که یک دانه از آن کاشته شود و به صورت خوشه های متعددی رشد کند، همانند گندم آیت انفاق است.
۳- مثل کسی که انفاق می کند، مثل دانه ای است که کاشته می شود و هفت سنبل (خوشه) از آن بیرون می آید و در هر سنبل صد دانه است.
۴- انفاق کننده شبیه حبه و دانه است.
* انفاق یعنی از آنچه که به آن حب می ورزیم، مازاد بر نیاز ماست، بگذریم و به دیگران ببخشیم.
پ) نتیجه ی حکمی این درس آن است که انفاق و گذشتن از حبها، یک آزمون الهی برای بالندگی و تعالی انسان است.
ت) کودک می آموزد، اگر انفاق کردیم، خداوند به وجود ما برکت می دهد. وقتی خداوند به کسی برکت دهد، او پایان ناپذیر می شود. خداوند به وجود کسی که انفاق می کند تا ۷۰۰ برابر بلکه هم بیشتر برکت می بخشد.
ث) او در این درس عبرت می گیرد که: اگر هدف ما آن است که در جامعه فقیر و نیازمند نباشد باید انفاق را رواج دهیم. انفاق کردن باعث از بین رفتن فاصله ی طبقاتی میان فقیر و غنی می شود. پس سوء استفاده از نیازمندان کار نادرستی است؛ باید با انفاق به نیازمندان کمک کرد.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

- ۱- شناخت گندم و روند محصول دهی آن.
- ۲- درک مفهوم انفاق و اثر آن در رفع نیاز فقیران؛ همین طور درک مفهوم برکت که نتیجه ی انفاق برای فرد انفاق کننده است.
- ۳- بیان مثال هایی از انفاق کردن؛ مثلاً در جشن عاطفه ها، بخشیدن لباس ها و وسایلی که اضافه بر نیاز است و ...

ب) کودک ۶ تا ۹ سال

- ۱- شناخت گندم و روند محصول دهی آن. بیان مثال هایی از دانه های مشابه گندم؛ مانند لوبیا، نخودفرنگی، ذرت و ...
- ۲- درک مفهوم انفاق و اثر آن در رفع نیاز فقیران؛ همین طور درک مفهوم برکت که نتیجه ی انفاق برای فرد انفاق کننده است.
- ۳- بیان مثال هایی از انفاق کردن؛ مثلاً در جشن عاطفه ها، بخشیدن لباس ها و وسایلی که اضافه بر نیاز است و ...

ج) کودک ۹ تا ۱۲ سال

- ۱- شناخت گندم و روند محصول دهی آن. بیان مثال هایی از دانه های مشابه گندم؛ مانند لوبیا، نخودفرنگی، ذرت و ...
- ۲- درک مفهوم انفاق و اثر آن در رفع نیاز فقیران؛ همین طور درک مفهوم برکت که نتیجه ی انفاق برای فرد انفاق کننده است. بیان مثال های متناسب.
- ۳- شناخت مفهوم انفاق در کنار قرض الحسنه و صدقه، برای مقابله با ربا.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس، در گام اول حساس کردن کودکان به چرایی خلقت پدیده‌ها بوده و در گام بعدی تبیین اهمیت تقوی قلب در انسان است.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت گوزن استفاده شده است. به این ترتیب که:

- گوزن‌ها در هنگام چرا، برای دفاع از خود در برابر نیش مار، سر مار را می‌بلعند. گوزن از ترس پخش شدن سم مار در بدنش، بر تشنگی ناشی از خوردن سر مار، صبر کرده و آب نمی‌خورد.

- گوزن آیت انسانی است که می‌داند چه کاری برای او ضرر دارد و باعث هلاکت او می‌شود؛ پس آن را انجام نمی‌دهد.

- خودداری گوزن مار خورده در برابر خوردن آب، آیت تقوی انسان در برابر هوی نفس اوست.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که؛ تقوی درمان مرض قلب است.

صبر گوزن بر عطش غالب، از ترس ضرر است. تعجب از آن است که خدا به انسان عقل و قوه‌ی تشخیص داده، اما نفس خود را از خواهشی که ضرر داشته باشد، منع نمی‌کند.

خداوند ذکاوتی به گوزن داده است تا زمانی که مار به او حمله می‌کند به عوض فرار بی‌فایده، سر او را کنده و ببلعد. این ذکاوت در حیوانات غریزی است. در مقابل، خداوند به انسانها فطرت و عقل داده تا موقعیت خطر را تشخیص دهند و از آن پروا داشته باشند. عقل به خواسته‌های انسان حد می‌زند و جلوی بی‌بندوباری نفس را می‌گیرد.

ت) کودک به‌عنوان یک استراتژیست می‌آموزد که پشت بسیاری از خواسته‌های دل ما هلاکت نهفته است. لج کردن و اصرار بی‌جا بر خواسته‌ی دل، باعث نابودی و هلاکت ما خواهد شد.

ث) کودک با بررسی عمل گوزن، عبرت می‌گیرد که: اگر گوزن، مار نخورده بود، نیازی نداشت خود را در برابر آب نگه دارد. انسان هم زمانی که زمینه‌ی فکر و خیال غلط در او ایجاد شود، باید با تقوی ورزیدن و نگاه‌داشتن نفس‌اش در برابر خواسته‌ی غلط، خود را از هلاکت نجات دهد.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

۱- شناخت چرایی عمل گوزن.

۲- درک این که گاهی باید از خواسته‌های دل گذشت تا نجات پیدا کرد و بیچاره نشد.

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

۱- درک کامل چرایی عمل گوزن.

۲- درک این که گاهی باید از خواسته‌های دل گذشت تا نجات پیدا کرد و بیچاره نشد.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

۱- درک کامل چرایی عمل گوزن؛ و قیاس رابطه‌ی آن با تقوی و مرض قلب در انسان.

۲- شناخت مفهوم تقوی و مرض قلب؛ و درک این نکته که تقوی درمان مرض قلب است.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس ایجاد تفکر قله شدن و روحیه تلاش‌گری در کودکان برای دست یافتن به قله‌های انسانی است.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت قله و دره، به عنوان یکی از متعلق‌های شناخت خدا در پوسته‌ی زمین، استفاده شده است. به این ترتیب که:

کوه‌ها لنگرگاه‌های زمین هستند. قله‌ها و دره‌ها شرایط زمین را برای زندگی متعادل می‌کنند.

انسان‌ها نیز شبیه قله‌ها و دره‌ها هستند. بعضی از آن‌ها قله هستند و بعضی دره.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که انسان‌ها می‌توانند شبیه قله، دشت و دره باشند؛ اما قله که باشند مضاف بر آن‌چه که خود نیاز دارند، ذخیره هم می‌کنند. قله از ثروت ذخیره شده‌ی خود، زمانی که از آن بی‌نیاز است و دیگران به آن نیازمندند، از سر کرامت به دشت و دره می‌بخشد.

انسان برای این‌که بتواند در زمان نیاز به اطرافیانش کمک کند، باید تبدیل به قله شود. در نسبت با خداوند نیز انسان‌ها باید شبیه قله باشند تا فرصت‌ها و نعمت‌ها را که شبیه ابرها هستند، بگیرند و ببارانند. **کودک باید مأموریت خود را قله شدن ببیند.**

قله‌ها به سبب عظمت و بلندی که دارند گاهی موجب تأخیر در طلوع خورشید و تسریع در غروب خورشید می‌گردند. لذا قله‌ها عظمت خود را به رُخ می‌کشند؛ اما دریا هیچ‌گاه عمق خود را به رُخ نکشیده و بی‌چشم‌داشت از داشته‌ها و نعمت‌هایی که در خود دارد به دیگران می‌بخشد. بنابراین انسان‌ها خوب است شبیه قله باشند، اما باید روح عملشان مانند دریا باشد.

ت) کودک می‌آموزد که به‌عنوان یک استراتژیست یکی از مهم‌ترین تکنیک‌ها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن است که در تمامی مراحل زندگی‌اش شبیه قله باشد. تفکر استراتژیست بودن، تفکر قله بودن است.

ث) دره بودن مذموم است. در جامعه‌ای که انسان‌هایش دره شدند، حیات شکل نمی‌گیرد. چنین جامعه‌ای شبیه کویر می‌ماند و جانداران در آن به سختی زندگی می‌کنند. مردمی که هیچ انسان بزرگ و قله ماندنی نداشته باشند، دیگران به راحتی می‌توانند آن‌ها را نابود کنند.

جامعه‌ای که در آن انسان‌های بزرگی نباشند تا ابرهای رحمت را بگیرند و نزولات آن‌ها را ذخیره کنند و از برکات آن به جامعه‌ی خود برسانند، جامعه‌ی بدبختی خواهد بود که باید دست‌گدایی به سوی جوامع دیگر دراز کند. دره‌ها سرسبزی خود را از قله‌ها و کوه‌ها دارند. انسانی که قله شد به اطرافیانش و جامعه‌اش فیض می‌رساند و باعث آبادانی آن می‌گردد.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

- ۱- درک روابط قله، دره و دریا. (کودک باید به صورت ساده تفاوت این سه درک کند).
- ۲- خود را شبیه قله دیدن و بیان مثال‌هایی از تلاش‌گری برای رسیدن به اهداف و قله‌ها.

ب) کودک ۶ تا ۹ سال

- ۱- درک روابط قله، دره و دریا. شناخت قله‌ها به‌عنوان لنگرگاه‌های زمین. معرفی نمونه‌های انسانی قله‌های جوامع.
- ۲- مأموریت خود را قله شدن تعریف کردن و تلاش برای دست‌یابی به آن.
- ۳- داشتن روحی هم‌چون دریا عمیق و خاشع.

ج) کودک ۹ تا ۱۲ سال

- ۱- درک روابط قله، دره و دریا. شناخت قله‌ها به‌عنوان لنگرگاه‌های زمین. معرفی نمونه‌های انسانی قله‌های جوامع.
- ۲- مأموریت خود را قله شدن تعریف کردن و تلاش برای دست‌یابی به آن.
- ۳- داشتن روحی هم‌چون دریا عمیق و خاشع.
- ۴- شناخت اهمیت قله‌های انسانی در جامعه و تمدن‌سازی.

عنوان درس: آیت روباه (تدبیر)

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس، توجه دادن کودک به این مسئله است که به جای زیاد داشتن به سراغ آنچه از استعداد به او داده شده برود و حسرت و تأسف نداشته‌هایش را نخورد.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت روباه و قیاس آن با سایر حیوانات درنده، استفاده شده است. به این ترتیب که:

- ۱- روباه یک حیوان درنده است، اما مانند سایر درندگان توانایی زیادی در شکار ندارد.
- ۲- خداوند به جبران قدرت کم روباه، به او نعمت زیرکی و فتانت بخشیده است. او در هنگام شکار خود را به مُردن می‌زند تا حیوانات کوچک به او نزدیک شوند؛ بعد یکباره جست زده و موجودی که فریب خورده را شکار می‌کند.
- ۳- خداوند طبع حیوانات را متنوع آفرید و این تنوع، آیت سازوکار عدل الهی محسوب می‌شود.

پ) عدل به معنای برابری داشته‌ها نیست، بلکه براساس ظرفیت وجودی موجودات، همه در یک تراز توانایی قرار دارند. هرکس به اندازه‌ی ظرفیتش از استعداد و توانایی بهره‌مند است. لذا افراد استعداد و توانمندی متنوعی دارند. خداوند به هر فردی توانایی را داده است که قطعاً دیگری از آن بی‌بهره است. بنابراین **انسان باید نیمه‌ی پر لیوان وجودش را ببیند.**

ت) کودک می‌آموزد که به‌عنوان یک استراتژیست یکی از مهم‌ترین تکنیک‌ها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن است که در زمان مواجهه با خلاءها و کمبودها در زندگی، باید آن خلاءها را با تدبیر جبران کنیم.

برای این کار باید توانایی‌های خود را بشناسیم و از آن‌ها استفاده کنیم. همانند روباه که توان مکر خود را شناخته و طعمه را فریب می‌دهد.

ث) کودک با بررسی روش شکار توسط روباه، عبرت می‌گیرد که: باید استعدادهای خود را بیابیم. باید خودباوری داشته باشیم. حسرت داشته‌های دیگران را نخوریم و داشته‌های خود را کنار نگذاریم. نباید منتظر باشیم تا امکاناتی را به ما بدهند و ما عمل کنیم. باید آنچه که در وجودمان هست را باور کرده و براساس آن پیش برویم.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

- ۱- شناخت ویژگی روباه در شکار موجودات و زیرکی روباه.
- ۲- حساس شدن برای شناخت استعداد و توانمندی خود و حسودی نکردن به داشته‌های دیگران. (برای این مرحله لازم است والدین به کودک در شناسایی استعدادهایش کمک کنند و او را در جهت رشد آن استعدادها تشویق کنند.)

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

- ۱- شناخت ویژگی روباه در شکار موجودات و زیرکی روباه.
- ۲- خودباوری؛ حساس شدن برای شناخت استعداد و توانمندی خود.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

- ۱- شناخت ویژگی روباه در شکار موجودات و زیرکی روباه.
- ۲- خودباوری؛ حساس شدن برای شناخت استعداد و توانمندی خود.
- ۳- آشنایی با مفهوم عدل در آفرینش و خلقت موجودات و انسان.

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس، آشنا کردن کودکان با مراحل به ثمر رسیدن فکر و ایده است.

ب) برای این منظور از آیت تخم مرغ و موجودات تخم گذار در برابر موجودات بچه‌زا استفاده شده است. فرزند موجودات بچه‌زا تولد یک مرحله‌ای دارد، یعنی موقع تولد کامل است و با گذر زمان فقط بزرگتر و قوی‌تر می‌شود. سگ، گربه، شیر، گاو و بسیاری از پستانداران بچه‌زا هستند.

فرزند موجودات تخم‌گذار تولد دومارحله‌ای دارد، یعنی ابتدا تخم متولد می‌شود و بعد از طی کردن دوره‌ی زمانی مشخصی، موجود کامل از تخم خارج شده و با گذر زمان رشد کرده و قوی‌تر می‌شود.

فکر و ایده‌های ما نیز یک‌بار ممکن است کامل متولد شود، اما بیشتر اوقات ایده‌ها همانند تخم مرغ متولد می‌شوند و باید منتظر بود تا به ثمر برسند؛ یعنی این ایده‌ها به مرور کامل شده و بعد متولد می‌شوند.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که کودک متوجه اهمیت صبر و حوصله برای به ثمر رسیدن فکر و ایده‌هایش شود.

ت) کودک می‌آموزد که به‌عنوان یک استراتژیست، **از تعجیل خودداری کند** و زمان کافی را به ایده‌هایش اختصاص دهد.

ث) او در این درس عبرت می‌گیرد که بعضی کارها دو مرحله‌ای هستند. با هر گونه عجله‌ای اجازه نخواهد داد آن‌ها به ثمر برسند. همان‌گونه که با عجله در شکستن پوسته‌ی تخم مرغ امکان تبدیل شدن آن به جوجه از بین می‌رود.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

- ۱- شناخت موجودات تخم‌گذار؛ آشنایی با تخم مرغ و اهمیت صبر و حوصله برای تبدیل آن به جوجه.
- ۲- بیان مثال‌هایی از اهمیت صبر و حوصله در انجام کارها و به ثمر رسیدن فکرها.

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

- ۱- آشنایی با موجودات تخم‌گذار و زنده‌زا. آشنایی با عامل مرحله‌بندی در رشد و تولد موجود زنده از تخم. شناخت اهمیت صبر و استقامت در به ثمر رسیدن این فرآیند.
- ۲- قیاس مراحل رشد موجود زنده در تخم و تولد آن با مراحل انجام و به ثمر رسیدن یک فکر یا ایده. درک اهمیت عامل زمان کافی برای طی کردن هر یک از این مراحل.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

- ۱- آشنایی با موجودات تخم‌گذار و زنده‌زا. آشنایی با عامل مرحله‌بندی در رشد و تولد موجود زنده از تخم. شناخت اهمیت صبر و استقامت در به ثمر رسیدن این فرآیند.
- ۲- قیاس مراحل رشد موجود زنده در تخم و تولد آن با مراحل انجام و به ثمر رسیدن یک فکر یا ایده. درک اهمیت عامل زمان کافی برای طی کردن هر یک از این مراحل.
- ۳- درک اهمیت برنامه‌ریزی و زمان‌بندی در مراحل عملیاتی کردن یک فکر، ایده، انقلاب و ...

توضیح اجمالی درس

- الف) هدف از این درس آن است که کودک اهمیت ایستادگی و استقامت را در مسیر اهداف خود و اهداف جامعه‌ی خود درک کند.
- ب) برای این منظور از چیکن استراتژی، به‌عنوان یکی از استراتژی‌های استفاده شده توسط غرب در طول تاریخ، بهره گرفته شده است. این استراتژی به عنوان یک ضرب‌المثل شناخته می‌شود. به این ترتیب که:
- ۱- اصطلاح «جریزه‌ی مرغ» در زبان انگلیسی، معادل «بزدل» در زبان فارسی است.
 - ۲- دو فرد، گروه، مکتب و ... بر موضع خود اصرار می‌کنند تا این‌که یکی از میدان به‌در شود. این مسأله در گذشته به صورت دوئل میان دو نفر رایج بوده است و هر کس زودتر کنار می‌کشید و کم می‌آورد، بزدل و ترسو لقب می‌گرفت.
 - ۳- در چیکن استراتژی کسی موفق است که بر موضع خود پایدار بماند. چیکن استراتژی، استراتژی اصرار بر موضع خود و قاعده‌ی استقامت و ایستادگی است.
- پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که؛ انسان مأموریت خود را در زندگی، ایستادگی و پایداری بر موضع حق تا رسیدن به شهادت بداند. کوچکترین تزلزل موجب می‌گردد تا از مسیر منحرف شویم. یافتن حق کار دشواری نیست؛ ایستادگی و استقامت در مسیر حق است که پایمردی می‌خواهد.
- ت) کودک به‌عنوان یک استراتژیست می‌آموزد که: در اجرای تصمیم، داشتن روی‌کرد استقامت‌مدار از ضروریات است. اگر ما بر سر تصمیم حق و درست خود پایدار نباشیم و با کوچکترین مانع و ناملایمتی عقب‌نشینی کرده و کوتاه بیاییم، نه تنها نمی‌توانیم بر اهداف خود دست‌یابیم، بلکه بسیاری از داشته‌های خود را از دست خواهیم داد.
- ث) کودک با بررسی این استراتژی و مفهوم دوئل، عبرت می‌گیرد که: موانع و فشارها باعث عقب‌نشینی ما از مواضع مان می‌شوند. انسان نباید جریزه‌اش، جریزه‌ی مرغ باشد و در برابر موانع کم بیاورد.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

- ۱- ایستادگی در مسیر درست. (این مطلب را با مثال حرکت دو اتومبیل در یک جاده به سوی هم و بررسی این‌که حرکت در جاده حق کدام اتومبیل است، درک خواهد کرد.)
- ب) کودک ۶ تا ۸ سال

- ۱- درک اهمیت ایستادگی در مسیر درست و کنار نرفتن از آن در برابر هر نیروی مهاجم روبه‌رو.
- ۲- کنار رفتن از مسیر به معنی بزدلی و ضعف است.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

- ۱- درک اهمیت ایستادگی در مسیر درست و کنار نرفتن از آن در برابر هر نیروی مهاجم روبه‌رو.
- ۲- شناخت چیکن استراتژی به عنوان یکی از استراتژی‌های به‌کار رفته توسط دشمنان در برابر مخالفانشان.
- ۳- شناخت اصل پایداری بر مسیر حق.

عنوان درس: آیت الاغ (بار)

توضیح اجمالی درس

الف) هدف از این درس تفکیک دو مفهوم دانستن و ندانستن برای کودکان و تبیین اهمیت ظرفیت عمل به دانسته‌ها برای آنها است.

ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از مثال باربری توسط الاغ، استفاده شده است. به این ترتیب که الاغ به بارکشی معروف است. او فقط بار را حمل می‌کند و از محتوای بار اطلاعی ندارد. انسان نیز اگر به دانسته‌هایش عمل نکند شبیه الاغی است که فقط بار دانسته‌هایش را حمل می‌کند.

پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که دانسته‌های ما به تنهایی کفایت نمی‌کند. مأموریت ما عمل به دانسته‌هایمان است.

ت) کودک می‌آموزد، حکیم کسی است که به دانسته‌هایش عمل می‌کند.

ث) او در این درس عبرت می‌گیرد که: دانستن زیاد هنر نیست، عمل به دانسته‌ها مهم است.

باتوجه به سن کودک، انتظار ما این است که نکات زیر توسط او درک شود.

الف) کودک ۴ تا ۶ سال

۱- هر کس به دانسته‌هایش عمل نکند، شبیه حماری است که فقط بارکشی می‌کند و نمی‌داند محتوای بار چیست.

ب) کودک ۶ تا ۸ سال

۱- هر کس به دانسته‌هایش عمل نکند، شبیه حماری است که فقط بارکشی می‌کند و نمی‌داند محتوای بار چیست.

۲- قیاس این درس با مبحث زنبور عسل.

ج) کودک ۸ تا ۱۲ سال

۱- هر کس به دانسته‌هایش عمل نکند، شبیه حماری است که فقط بارکشی می‌کند و نمی‌داند محتوای بار چیست.

۲- قیاس این درس با مبحث زنبور عسل.

۳- بررسی مصادیق فردی و اجتماعی عمل کردن مبتنی بر دو آیت حمار و زنبور عسل.